

مجله دانش مالی
تحلیل اوراق بهادار
شماره نهم
بهار ۱۳۹۰

محافظه‌کاری حسابداری و بحران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامرضا اسلامی بیدگلی^۱

هاشم نیکومرام^۲

بهمن بنی مهد^۳

نیلوفر میرسپاسی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۱۸

چکیده

محافظه‌کاری حسابداری یکی از مفاهیم بنیادی در حسابداری است. محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نمایند. این پژوهش اثر محافظه‌کاری حسابداری بر بحران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را طی یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶ را در ۴۸ شرکت دارای بحران مالی از تابلوی بورس اوراق بهادار تهران خارج شده اند و ۵۷ شرکت سودده، مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخص محافظه‌کاری حسابداری با بحران مالی شرکتها دارای رابطه معنی دار و مستقیم است. هم چنین نتایج پژوهش بر وجود رابطه معکوس میان اندازه شرکت و شاخص سودآوری و رابطه مستقیم با نسبت اهرمی و همچنین بر عدم تاثیر رشد فروش بر بحران مالی شرکتها تاکید دارد. نتایج این تحقیق، محافظه‌کاری حسابداری را مکانیزم قراردادی موثری برای محدود نمودن رفتار جانبدارانه مدیر در بیش نمایی از سود، در

۱- دانشیار دانشگاه تهران

۲- استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۳- استادیار مدعو گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۴- دانشجوی دوره دکتری رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (مسئول مکاتبات)

شرکتهای دارای بحران مالی می‌شناسد. از این رو، محافظه‌کاری را ابزاری برای خروج از بحران مالی در شرکت‌ها در بلندمدت می‌داند.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری حسابداری، بحران مالی شرکتها، اندازه شرکت، نسبت اهرمی و شاخص سودآوری.

مقدمه

این مقاله رابطه میان محافظه‌کاری حسابداری و بحران مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی می‌نماید. تحقیقات گذشته در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که میان محافظه‌کاری حسابداری و زیان‌دهی و ورشکستگی شرکت‌ها رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد (گی‌ولی و هین، ۲۰۰۰). در ایران نیز تداوم زیان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در حال افزایش است. به طوری که در سال ۱۳۸۷ بیش از ۳۰ شرکت به دلیل زیان‌دهی و ورشکستگی از بورس اوراق بهادار تهران خارج شده‌اند (بنی‌مهد و باغبانی، ۱۳۸۸). برخی از پژوهش‌های حسابداری نشان داده‌اند که مدیران شرکت‌ها در موقع بحران مالی، مایل به انتقال اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند. تا بدین وسیله، از کاهش ارزش شرکت جلوگیری نمایند (بیدل و همکاران، ۲۰۱۰ و ویجیت ساراونگ و انگ، ۲۰۱۰). در این میان برخی از نظریه پردازان حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری نظیر واتز (۲۰۰۳)، معتقد است که محافظه‌کاری حسابداری به عنوان یک مکانیزم موثر در تنظیم قرارداد میان گروه‌های مختلف، از طریق به تأخیر انداختن شناخت اخبار خوب مانند سود، رفتار جانبدارانه مدیر در شناسایی سود را خنثی می‌نماید. از این رو، هدف این پژوهش در درجه اول بسط مبانی نظری مرتبط با موضوع محافظه‌کاری حسابداری و بحران مالی است و در درجه دوم آن است که به گونه‌ای تجربی به تحلیل گران مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، نشان دهد که آیا محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند در تنظیم قرارداد با گروه

های مختلف، برای کاهش رفتارهای جانبدارانه مدیر به عنوان یک مکانیزم موثر عمل نماید یا خیر.

مبانی نظری تحقیق

تعریف محافظه‌کاری حسابداری:

باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می‌نماید. اما تعریف دیگر، تعریف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره محافظه‌کاری (گیولی و هین ۲۰۰۰) بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع تر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. در این پژوهش از تعریف سوم برای محاسبه شاخص محافظه‌کاری حسابداری استفاده شده است. دلیل انتخاب تعریف سوم برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری به تفصیل در بخش متغیرهای مورد مطالعه این مقاله آورده شده است. دسته‌بندی دیگری برای تعریف محافظه‌کاری از سوی رایان^۴ (۲۰۰۶) ارائه شده است که عبارت است از محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیر شرطی. محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه‌کاری شرطی است. به این نوع محافظه‌کاری،

محافظه کاری سود و زیان و یا محافظه کاری گذشته نگر نیز می‌گویند. اما محافظه کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، الزام نگردیده است. این نوع محافظه کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها بواسطه رویه‌های از پیش تعیین شده حسابداری است. این محافظه کاری، به محافظه کاری ترازنامه و یا محافظه کاری آینده نگر نیز معروف است.

رابطه محافظه کاری حسابداری و بحران مالی

پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که در مواقع بحران مالی، مدیران واحدهای تجاری مایل هستند تا با انتشار اخبار خوب مانند شناسایی سودهایی که هنوز تحقق نیافته‌اند، سود شرکت را مثبت نشان دهند (بیدل و همکاران^۵، ۲۰۱۰ و ویجیت ساراونگ و انگ^۶، ۲۰۱۰). واتز (۲۰۰۳) معتقد است که اگر قراردادهای شرکت با گروه‌های مختلف مانند سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان براساس ارقام حسابداری تنظیم شود، آن‌گاه به علت وجود تضاد منافع میان مدیران و آن‌گروه‌ها، مدیران شرکت‌ها سعی خواهند کرد تا با انجام رفتارهای جانبدارانه، آن ارقام را به نفع خود دستکاری نمایند. مثلاً سود و یا دارایی‌ها را افزایش و بدهی‌ها را کاهش می‌دهند. در این میان، محافظه کاری به عنوان یک مکانیزم قراردادی موثر از طریق به تأخیر انداختن شناخت سود و دارایی و شناخت به موقع زیان و بدهی، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی می‌کند. از این رو می‌توان استدلال نمود میان محافظه کاری حسابداری و بحران مالی رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

کریمی و عمرانی (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر چرخه عمر شرکت و محافظه کاری بر ارزش شرکت پرداخته‌اند. تاثیر محافظه کاری بر واکنش سرمایه‌گذاران به خالص دارایی‌های عملیاتی و سود عملیاتی غیرعادی در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت را مورد بررسی

قرار دادند. نتایج حاصل از بررسی آنها طی دوره زمانی سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران اهمیت (وزن) بیشتری به خالص دارایی‌های عملیاتی و سود عملیاتی غیرعادی شرکت‌های در مرحله رشد، نسبت به شرکت‌های مراحل بلوغ و افول می‌دهند. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که در مراحل رشد و بلوغ، سرمایه‌گذاران اهمیت (وزن) بیشتری به خالص دارایی‌های عملیاتی و سود عملیاتی غیرعادی شرکت‌های محافظه‌کار (نسبت به شرکت‌هایی که از رویه‌های حسابداری متهورانه استفاده می‌کنند) می‌دهند و در مرحله‌ی افول عکس این موضوع صادق است.

مهرانی، وافی ثانی و حلاج (۱۳۸۹) رابطه اندازه شرکت و قراردادهای بدهی با محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران را در ۸۵ شرکت بین سال‌های ۸۵-۱۳۸۲ مورد بررسی قرار دادند. آنها در این پژوهش دریافته‌اند که رابطه مثبت معناداری بین بدهی و محافظه‌کاری در دو معیار مبتنی بر اقلام تعهدی و مبتنی بر ارزش بازار وجود دارد. هم‌چنین، رابطه منفی اندازه شرکت و محافظه‌کاری تنها در معیار مبتنی بر ارزش بازار در تحقیقات آنها مورد تایید قرار گرفت. طبق نتیجه‌گیری آنها، نمی‌توان استنباط کرد که بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

بنی مهد و باغبانی (۱۳۸۸) در تحقیقی اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها، در ۴۸ شرکت زیان‌ده از شرکت‌های خارج شده از تابلوی بورس اوراق بهادار تهران را برای دوره زمانی ۷ ساله ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها حاکی از رابطه مثبت و معنی‌دار میان محافظه‌کاری حسابداری با زیان دهی شرکت‌ها است. هم‌چنین وجود رابطه‌ای مستقیم میان اندازه شرکت‌ها و زیان دهی و رابطه‌ای معکوس میان نسبت اهرمی و زیان دهی مورد تاکید قرار گرفت. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که مالکیت دولتی، اثری بر زیان دهی شرکت‌ها ندارد.

ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) به بررسی رابطه هزینه سیاسی و محافظه‌کاری حسابداری، طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۱ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار



تهران، پرداختند. آنها در این پژوهش دریافتند که اندازه و شدت سرمایه‌گذاری با محافظه‌کاری یک رابطه منفی و بین‌درجه رقابت در صنعت و مالکیت دولتی با محافظه‌کاری یک رابطه مثبت دارد. هم‌چنین عدم وجود رابطه معناداری نرخ موثر مالیاتی و ریسک با محافظه‌کاری مورد تایید قرار گرفت. طالب‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) به پیش‌بینی بحران مالی مبتنی بر ارائه الگویی مشتمل بر متغیرهای کلان اقتصادی و متغیرهای مالی پرداختند. در این تحقیق چهار الگوی پیش‌بینی بحران مالی با وقفه زمانی یک سال و دو سال بسط داده شد. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که الگوهای اسپرین‌گیت و والاس توسعه یافته با نسبت‌های جریان وجوه نقد و متغیرهای کلان اقتصادی دارای متغیرهای موثر برای پیش‌بینی بحران مالی می‌باشند. رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی به مقایسه نتایج حاصل از به‌کارگیری مدل‌های آلتمن و فالمر برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ پرداختند. نتایج حاصله حاکی از آن است که در پیش‌بینی یک شرکت، تفاوت معنی‌داری بین نتایج دو مدل وجود دارد. هم‌چنین مدل آلتمن در پیش‌بینی ورشکستگی محافظه‌کارانه تر از مدل فالمر عمل می‌کند.

رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی رابطه عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از رابطه مثبت و معنی‌دار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و سطح محافظه‌کاری اعمال شده در صورت‌های مالی می‌باشد. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، تغییر عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه‌کاری می‌شود و به دنبال افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

پژوهش‌های خارجی

گیولی و هین (۲۰۰۰) طی تحقیقی نشان دادند، سودآوری در طی چهار دهه گذشته، در آمریکا کاهش یافته است. اما این کاهش، موجب کاهش جریان‌ات نقدی نشده است.

نتایج تحقیق آنها به این موضوع اشاره دارد که شناخت زیان نسبت به سود زودتر انجام می‌شود و میزان محافظه‌کاری غیر شرطی و گزارش زیان به ۳۵ درصد در گزارشگری مالی آمریکا افزایش یافته است. کلین و مارکوآرت^۶ (۲۰۰۶) نشان دادند که رابطه‌ای مستقیم میان افزایش محافظه‌کاری غیر شرطی و افزایش زیان دهی شرکت‌ها وجود دارد. آنها طی یک دوره ۵۰ ساله (نیمه دوم قرن بیستم) از شرکت‌های آمریکایی به رابطه مستقیمی میان محافظه‌کاری و زیان دهی شرکت‌ها دست یافتند و نتایج پژوهش گیولی و هین را تأیید نمودند. در استرالیا نیز بال کریشنا و همکاران^۷ (۲۰۰۷) نشان دادند که ۴۰ درصد شرکت‌های نمونه‌ی تحقیق طی دوره ۱۰ ساله ۱۹۹۳ الی ۲۰۰۳ زیان گزارش و میزان محافظه‌کاری شرطی نیز افزایش یافته است. واتز و زیمرمن (۱۹۷۸) معتقدند که شرکت‌هایی که با هزینه‌های سیاسی بالا مواجه هستند، تمایل زیادی به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری دارند. در تأیید عقیده آنها احمد و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ، از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه بیشتری نسبت به سایر شرکتها استفاده می‌کنند. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که اگر تضاد منافع میان وام‌دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد، در آن صورت مدیران شرکت‌های وام‌گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری دارند. احمد و دلمن^۸ (۲۰۱۰) در تحقیق دیگری نتیجه می‌گیرد، محافظه‌کاری حسابداری مانع سرمایه‌گذاری مدیران در پروژه‌هایی با بازده منفی می‌شود. همچنین او در می‌یابد که رابطه مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیئت مدیره و محافظه‌کاری وجود دارد. بیدل و همکاران (۲۰۱۰) با بررسی رابطه علی و معلولی دو طرفه میان محافظه‌کاری حسابداری و خطر ورشکستگی دریافته‌اند که محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی رابطه منفی با خطر ورشکستگی دارد. هم‌چنین آنها دریافته‌اند که خطر ورشکستگی با محافظه‌کاری غیر شرطی رابطه مثبت، و با محافظه‌کاری شرطی رابطه منفی دارد. آنها در تحقیق خود بکارگیری رویه‌های محافظه‌کاری را به عنوان یک اصل مهم در حسابداری مالی مطرح

کردند. ویجیت سارا ونگ و انگ (۲۰۱۰) طی تحقیقی نشان دادند که در کشورهای هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور و تایلند، در بحران مالی ۱۹۹۷، میزان بکارگیری محافظه کاری پایین بوده است و مدیران تمایل به ارائه زودهنگام اخبار خوب و ارائه اخبار بد با تاخیر صورت می‌گیرد. نتیجه تحقیق آنها نشان داد که بکارگیری محافظه کاری پس از بحران مالی آسیا، افزایش پیدا کرده است. نتیجه پژوهش آنها به این موضوع اشاره دارد که تاثیر بکارگیری محافظه کاری ویا استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری برای پس از دوره بحران مالی سودمند بوده است.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی:

محافظه کاری حسابداری با بحران مالی رابطه ای معنی دار دارد.

فرضیه های فرعی:

- ۱) اندازه شرکت ها با بحران مالی رابطه معنی دار دارد.
- ۲) اهرم مالی (شاخص ریسک مالی شرکت) با بحران مالی رابطه معنی دار دارد.
- ۳) رشد فروش در شرکت ها با بحران مالی رابطه معنی دار دارد.
- ۴) شاخص سودآوری با بحران مالی رابطه معنی دار دارد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، از نظر نحوه اجرا علی - مقایسه ای می باشد. همچنین این تحقیق از نظر هدف در ردیف تحقیقات کاربردی قرار دارد. در تحقیق حاضر برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری از مدل گیولی و هین استفاده شده است و برای محاسبه ورشکستگی از شاخص ورشکستگی آلتمن استفاده شده است. دلیل استفاده از این دو شاخص این

است که در اکثر تحقیقات از این شاخص‌ها به عنوان شاخص‌های مناسب استفاده شده و همچنین داده‌های مورد نیاز آن قابل دسترس می‌باشد. هم‌چنین از آزمون رگرسیون لجستیک برای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل ۴۸ شرکت دارای بحران مالی و ۵۷ شرکت سودده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند. شرکت‌های مورد مطالعه، برای یک دوره هفت ساله یعنی از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶ انتخاب شدند.

شرکت‌های دارای بحران مالی شامل شرکت‌های زیان‌ده ای هستند که در سال ۱۳۸۷ از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط سازمان بورس اوراق بهادار حذف شده‌اند. از میان شرکت‌های فوق مجموعاً ۴۸ شرکت که داده‌های آنها در دسترس بود به عنوان شرکت‌های دارای بحران مالی در نظر گرفته شده است. همچنین شرکت‌های سودده شامل شرکت‌هایی می‌باشد که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- ۱) قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند. دلیل این امر این است که دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۰ شروع می‌شود و برای برخی از متغیرهای مستقل پژوهش ممکن است نیاز به اطلاعات سالهای گذشته نیز باشد.
- ۲) جزو شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری بانکی نباشند، زیرا ماهیت و طبقه بندی اقلام صورتهای مالی متفاوتی دارند
- ۳) دوره مالی آنها پایان اسفند ماه باشد. این امر به دلیل سهولت در تجزیه و تحلیل داده است.
- ۴) داده‌های آنها در دسترس باشند.



با توجه به شرایط بالا، تنها ۵۷ شرکت شرایط مذکور را دارا بودند و لذا آنها به عنوان شرکت های سودده انتخاب شدند. بنابراین با توجه به موارد مطرح شده، نمونه آماری تحقیق در مجموع شامل ۱۰۵ شرکت می باشد.

قلمرو مکانی و زمانی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق، کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. هم چنین قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۶ (یک دوره هفت ساله) تعیین شده است.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق، روش کتابخانه ای است و منبع جمع آوری داده های مورد نیاز این تحقیق، صورتهای مالی شرکت ها بوده است. داده های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانک های اطلاعاتی رایانه ای، مراجعه به کتابخانه و اداره نظارت و ارزیابی سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار اکسل و پس از اصلاحات و طبقه بندی لازم بر اساس متغیر های مورد بررسی، وارد رایانه شده است. تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم افزار SPSS انجام شده است.

متغیر های تحقیق

متغیر وابسته در پژوهش حاضر، بحران مالی شرکت است که با مقدار ۰ و ۱ نشان داده می شود. مقدار یک برای شرکت های دارای بحران مالی و مقدار صفر برای شرکت های سودده. اما متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر بحران مالی شرکتها بعنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد، عبارتند از شاخص محافظه کاری، اندازه شرکت، رشد فروش،

نسبت اهرمی و شاخص سود آوری. از میان متغیرهای فوق، به غیر از شاخص محافظه کاری بقیه متغیرها، متغیرهای مداخله‌گری هستند که ممکن است بر رابطه بین محافظه کاری و بحران مالی شرکت‌ها اثر گذار باشند. در این پژوهش اثر متغیرهای مداخله‌گر، کنترل شده است. از دیدگاه نظری، شرکت‌های بزرگ و بسیار سودآور احتمالاً سود آوری بیشتری (زیان دهی کمتری) در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند (کلین و مارکواریت، ۲۰۰۶). از این رو، اندازه شرکت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر بحران مالی شرکت‌ها داشته باشد. بنابراین در این پژوهش اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت اندازه‌گیری می‌شود، به عنوان متغیر کنترل لحاظ گردیده است. نتایج پژوهش مک کونل و سرواس^{۱۰} (۱۹۹۵) نشان داد که افزایش بدهی و پیرو آن افزایش هزینه‌های مالی باعث می‌شود تا مدیران پاداش کمتری دریافت کنند و در نتیجه این موضوع مدیران را وادار می‌کند تا عملکرد شرکت را بهبود ببخشند و از ورشکستگی آن جلوگیری کنند. در پژوهش زیتن و تیان^{۱۱} (۲۰۰۷) نیز نتیجه‌گیری شده است که استقراض باعث بهبود عملکرد شرکت‌ها می‌شود. هوآنگ و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۱) در پژوهش خود عنوان می‌کنند که افزایش نسبت بدهی، موجب بروز و تشدید تضاد منافع میان اعتبار دهندگان و سهامداران می‌شود. بنابراین در این پژوهش نسبت بدهی به جمع دارایی‌ها (نسبت اهرمی) به عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده است. هم‌چنین در پژوهش‌های مختلف، زیان‌دهی و وقوع بحران مالی شرکت‌ها را به عملکرد مدیر نسبت می‌دهند. در این پژوهش نیز شاخص سودآوری که از طریق تقسیم سود خالص به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید. به عنوان شاخص عملکرد مدیر در نظر گرفته می‌شود.

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه کاری حسابداری، از مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{اقلام تعهدی عملیاتی} \times (-1) = \frac{\text{شاخص محافظه کاری}}{\text{جمع دارایی‌ها در اول دوره}}$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می‌آید. به عقیده گیولی و هین (۲۰۰۰) رشد ارقام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر ارقام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می‌یابد و بر عکس، از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری ارقام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود. از آن جایی که فروش می‌تواند بر ارقام تعهدی نظیر تغییرات در حساب‌های دریافتی و موجودی کالا و شاخص سودآوری اثرگذار باشد، لذا در این تحقیق رشد فروش به عنوان متغیر کنترل به متغیرهای پژوهش اضافه شده است. برای کنترل عامل تورم بر ارقام تعهدی و تغییرات محافظه کاری و همچنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح شرکتها با اندازه‌های مختلف و هم‌چنین برای کاهش ناهمسانی واریانس در باقی مانده مدل (جمله پسماند)، متغیرهای پژوهش بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است. دلیل انتخاب مدل بالا برای اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری به قرار زیر است:

الف) مدل‌های موجود برای اندازه‌گیری محافظه کاری از جمله مدل باسو و مدل پنمن و ژانگ که در برخی از پژوهش‌های داخلی نیز از آنها استفاده شده، در اندازه‌گیری محافظه کاری با خطای زیادی مواجه هستند.

ب) اطلاعات مدل مورد استفاده این پژوهش، مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و در آن از شاخص‌های بازار استفاده نمی‌شود. با توجه به دسترسی به اطلاعات صورتهای مالی، برای اندازه‌گیری محافظه کاری نهفته در صورتهای مالی، این مدل نسبت به سایر مدل‌ها برای بازارهای درحال توسعه نظیر بازار سرمایه ایران، مناسب‌تر است (ریان، ۲۰۰۶).

تحلیل یافته های پژوهش و آزمون فرضیه ها

در ادامه این مقاله، خلاصه ای از یافته های پژوهش شامل آماره های توصیفی، نتایج حاصل از آزمون فرضیه، مدل استخراج شده ارائه می گردد.

آماره های توصیفی:

در جدول شماره ۱ شاخص مرکزی از جمله میانگین و شاخص های پراکندگی از جمله انحراف معیار، کشیدگی و چولگی برای متغیرهای پیوسته و جداول فراوانی برای متغیرها محاسبه شده است. این شاخص ها، توزیع آماری این متغیرها را به خوبی نشان می دهند. برای متغیرهای پیوسته مقدار میانگین، حد وسط داده ها و انحراف معیار، میزان پرکندگی داده ها را نشان می دهد. چولگی مثبت چوله به راست بودن و چولگی منفی چوله به چپ بودن توزیع داده ها را نشان میدهد. در صورتیکه چولگی نزدیک صفر باشد، داده ها متقارن هستند. کشیدگی نیز اوج یا بلندی داده ها را نشان می دهد. در صورتی که کشیدگی مثبت باشد توزیع داده ها از توزیع نرمال بلندتر و اگر مقدار آن منفی باشد توزیع آن کوتاهتر (پختر) از توزیع نرمال است. همان گونه که از جدول شماره ۱ مشخص است، میانگین شاخص ورشکستگی آلتمن در شرکت های زیان ده و مواجه با بحران مالی برابر ۰/۰۷۸۲- و در شرکت های سودده برابر ۱/۹۶۵۹۴ می باشد. این موضوع نشان دهنده طبقه بندی صحیح شرکت ها، به شرکت های زیان ده و سودده می باشد.

آزمون فرضیه ها

در تحقیق حاضر تأثیر متغیرهای مستقلی چون شاخص محافظه کاری حسابداری، اندازه شرکت، رشد فروش، اهرم مالی و شاخص سودآوری بر متغیر وابسته یعنی بحران مالی از روش رگرسیون لجستیک مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج در جدول شماره ۲، نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری و نسبت اهرمی رابطه ای مستقیم و معنی دار با بحران مالی دارند. اما اندازه شرکت و شاخص سودآوری با بحران



مالی شرکت ها رابطه ای معکوس و معنی دار دارند. هم چنین نتایج نشان می دهند که رشد فروش با بحران مالی شرکتها رابطه معنی دار ندارد.

جدول شماره ۱ - آماره های توصیفی

کشدگی	چولگی	انحراف معیار	میانه	میانگین	وضعیت شرکت	
۴/۳۵۹	-۰/۴۵۸	۰/۲۶۳۸۵۵	-۰/۰۳۸۰۹	۰/۰۶۳۴۷	شاخص محافظه کاری	بحران مالی
-۰/۶۲۴	-۰/۲۸۸	۱/۲۶۵۶۳۸	۱۱/۷۸۱۱۸	۱۱/۶۷۰۰۶	اندازه شرکت	
۸/۰۳۶	۲/۶۴۴	۰/۱۹۷۲۴۶	۰/۰۹۱۵۹	۰/۱۵۸۸۱	نسبت اهرمی	
۴۷/۵۵۰	۵/۸۸۰	۰/۹۳۲۲۷۶	۰/۰۳۰۲۷	۰/۱۴۳۲۵	رشد فروش	
۲۲/۹۵۵	-۰/۴۴۶	۰/۴۶۰۹۸۳	-۰/۰۱۷۱۵	-۰/۰۹۳۹۳	شاخص سودآوری	
۴۰/۸۶۸	-۳/۷۰۵	۴/۲۵۳۹۹۲	۰/۵۵۵۱۱	-۰/۰۷۸۲۰	شاخص ورشکستگی آتمن	
۲/۳۹۴	-۰/۴۶۱	۰/۱۱۷۱۲۸	-۰/۰۲۹۵	-۰/۰۲۹۸۵	شاخص محافظه کاری	سودده
۱/۴۳۳	۱/۰۸۴	۱/۴۵۶۱۰۵	۱۲/۶۱۳۰۰	۱۲/۹۱۲۰۸	اندازه شرکت	
۹/۴۱۲	۲/۵۳۴	۰/۰۸۱۲۷۲	۰/۰۵۸۰۰	۰/۰۸۶۹۶	نسبت اهرمی	
۹/۰۳۶	۱/۸۸۵	۰/۲۳۸۶۲۱	۰/۱۵۲۵۰	۰/۱۸۵۵۵	رشد فروش	
۰/۹۴۵	۰/۷۵۳	۰/۱۲۷۳۴۶	۰/۱۴۹۴۸	۰/۱۶۷۷۶	شاخص سودآوری	
۶/۸۵۴	۲/۱۷۳	۱/۳۲۳۹۷۳	۱/۶۶۶۵	۱/۹۶۵۹۴	شاخص ورشکستگی آتمن	

جدول شماره ۲ - آزمون فرضیه ها

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره والد	سطح معنی داری
شاخص محافظه کاری	۳/۲۴	۰/۷۴۶	۱۸/۸۵	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۶۳۱	۰/۰۸۹	۵۰/۲۸	۰/۰۰۰
نسبت اهرمی	۲/۰۵	۰/۹۱۴	۵/۱۱	۰/۰۲۴
رشد فروش	۰/۰۸۳	۰/۱۶۴	۰/۲۵	۰/۶۲
شاخص سودآوری	-۱۰/۸۲	۰/۹۹	۱۱۹/۸۴	۰/۰۰۰

با توجه به جدول شماره ۲، به غیر از رشد فروش، سطح معنی داری بقیه متغیرها کمتر از ۵ درصد است. بنابراین فرضیه اصلی پذیرفته و فرضیه فرعی شماره ۳ رد میگردد.

مدل احتمال بحران مالی

مدل نهایی بدست آمده برای احتمال بحران مالی شرکت ها توسط رگرسیون لجستیک

$$Y = a_0 + a_1 X_1 + a_2 X_2 + a_3 X_3 + a_4 X_4$$

به صورت زیر است:

جدول شماره ۳ - نتایج مربوط به مدل بحران مالی

متغیرها	شاخص	ضرایب
X ₁	محافظه کاری حسابداری	۳/۲۵۶
X ₂	اندازه شرکت	-۰/۶۳۱
X ₃	نسبت اهرمی	۲/۰۵
X ₄	شاخص سودآوری	-۱۰/۷۸
-	عرض از مبدأ	۸/۱۵۹
Y	احتمال بحران مالی	
	درصد پیش بینی مدل	۸۲/۶
	ضریب تعیین کاکس و اسنل	۰/۴۱
	کای دو مدل	۳۸۶/۷۶۹

با توجه به جدول شماره ۳، بیشترین تاثیر بر احتمال بحران مالی در شرکت‌ها، شاخص سودآوری می باشد. هم چنین بر اساس نتایج مدل، احتمال بحران مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تا حدود ۴۱ درصد توسط متغیرهای بالا قابل تبیین می باشد و مابقی ناشی از عواملی است که در این تحقیق قابل مشاهده نیستند. با توجه به با اهمیت بودن و معنی دار بودن مقدار کای دو مدل و هم چنین بالا بودن درصد پیش بینی مدل، می توان اعتبار مدل را تأیید نمود.



آزمون هم خطی میان متغیرهای مستقل

اغلب هم حرکتی و یا هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم خطی زیاد باشد، مدل مناسب نخواهد بود. یکی از روشهای آزمون هم خطی محاسبه ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه میشود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هرزوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل بدست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست و نگران وجود هم خطی نبود. در این پژوهش چون تمام ضرایب برآورد شده معنی دار و قابل تفکیک پذیر هستند، بیانگر این موضوع است که هم حرکتی میان متغیرها حد نیست. میزان نوسانات هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴- میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون				
	شاخص محافظة کاری	اندازه شرکت	نسبت اهرمی	رشد فروش	شاخص سود آوری
شاخص محافظه کاری	۱	۰/۰۹	-۰/۰۷۷	۰/۰۵۳	۰/۴۴۵
اندازه شرکت		۱	-۰/۲۰۳	۰/۰۱۶	۰/۳۱۰
نسبت اهرمی			۱	-۰/۰۴۸	-۰/۴۴۷
رشد فروش				۱	۰/۱۰۳
شاخص سود آوری					۱

سایر یافته های پژوهش

در ادامه مقاله رابطه هر یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته باید با توجه به مبانی نظری حسابداری و علم آمار تفسیر گردد. به این صورت که نتایج هر دو تفسیر حسابداری و آماری باید با هم هماهنگی داشته باشند.

تفسیر اثر محافظه کاری حسابداری بر بحران مالی شرکتها

تفسیر آماری:

با توجه به معادله رگرسیون بدست آمده، شاخص محافظه کاری با بحران مالی شرکتها رابطه ای مستقیم دارد. یعنی اگر محافظه کاری افزایش یابد، احتمال شناسایی زیان افزایش می یابد. بنابراین با توجه به معادله بدست آمده، اگر محافظه کاری حسابداری یک درصد واحد افزایش یابد، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، احتمال زیان دهی شرکتها بطور متوسط ۳/۲۵ درصد واحد، افزایش می یابد. بنابراین محافظه کاری اثری مستقیم بر زیان دهی و بحران مالی شرکتها دارد.

تفسیر حسابداری:

محافظه کاری حسابداری موجب می شود تا زیان زودتر از سود شناسایی شود. این موضوع باعث می شود تا رفتار جانبدارانه مدیر، در شناسایی و بیش نمایی سود به تاخیر بیافتد. در نتیجه پرداخت های اضافی به مدیر و سهامداران محدود و در نتیجه ارزش شرکت نیز افزایش و در بلند مدت باعث کاهش بحران مالی در شرکت ها می شود. این موضوع مطابق با تحقیقات خارجی از جمله تحقیق واتز (۲۰۰۳) و تحقیق بیدل و همکاران (۲۰۱۰) می باشد.

نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری مطابقت دارد.

تفسیر اثر اندازه شرکت بر بحران مالی شرکتها

تفسیر آماری:

با توجه به معادله رگرسیون بدست آمده و جدول ضرایب، اندازه شرکت ها بر بحران مالی اثری معکوس و منفی دارد. یعنی هر چه اندازه شرکت ها بزرگتر شود، احتمال وقوع بحران مالی در آنها کاهش می یابد. اگر اندازه شرکت یک واحد درصد، افزایش یابد، با

فرض ثابت بودن سایر عوامل، احتمال بحران مالی شرکتها بطور متوسط ۰/۶۳ درصد واحد، کاهش می‌یابد. بنابراین اندازه شرکت اثری معکوس بر بحران مالی شرکتها دارد.

تفسیر حسابداری:

در پژوهش‌ها و متون مختلف حسابداری، رابطه میان اندازه شرکت و احتمال بحران مالی تأیید گردیده است. این موضوع مطابق با تحقیق کلین و مارکوآرت (۲۰۰۶) می‌باشد. آن‌ها در پژوهش خود عنوان نمودند که شرکت‌های بزرگ زیان دهی کمتری نسبت به شرکت‌های کوچک دارند.

نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری مطابقت دارد.

تفسیر اثر اهرم مالی بر بحران مالی شرکتها

تفسیر آماری:

با توجه به معادله رگرسیون بدست آمده و جدول ضرایب، اهرم مالی بر بحران مالی، اثری معکوس دارد. اهرم مالی در واقع بیانگر نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها می‌باشد. هر چه این میزان، بزرگتر شود، احتمال بحران مالی کاهش می‌یابد. اگر اهرم مالی، یک واحد افزایش یابد، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، احتمال بحران مالی شرکتها بطور متوسط ۲/۰۵ درصد، افزایش می‌یابد. بنابراین اهرم مالی اثری مستقیم بر بحران مالی شرکتها دارد.

تفسیر حسابداری:

تفسیر این موضوع از نظر حسابداری آن است که هر چه نسبت بدهی شرکت‌ها افزایش یابد، احتمال ورشکستگی شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. افزایش نسبت بدهی موجب بروز و تشدید تضاد منافع میان اعتبار دهندنده و سهامداران می‌شود. این موضوع با نتایج تحقیقات خارجی از جمله تحقیق هوآنگ و همکاران مطابقت دارد.

نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری مطابقت دارد.

تفسیر اثر شاخص سود آوری بر بحران مالی شرکتها

تفسیر آماری:

با توجه به معادله رگرسیون بدست آمده و جدول ضرایب، شاخص سودآوری بر بحران مالی اثری معکوس دارد. هر چه شاخص سودآوری بزرگتر شود، احتمال بحران مالی کاهش می‌یابد. اگر شاخص سودآوری که در واقع عملکرد مدیر را نشان می‌دهد، یک واحد افزایش یابد، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، احتمال بحران مالی شرکتها بطور متوسط ۱۰/۸ درصد، کاهش می‌یابد. بنابراین افزایش و بهبود شاخص سودآوری اثری منفی و کاهشده بر بحران مالی شرکتها دارد.

تفسیر حسابداری:

نظریه و پژوهش‌های مختلف در حوزه‌های مدیریت مالی و حسابداری بر وجود رابطه‌ای مستقیم میان عملکرد مدیر (شاخص سودآوری) با احتمال وقوع زیان و بحران مالی تاکید دارند. به بیان دیگر هر چه عملکرد مدیر (سودآوری شرکت) بهبود یابد، احتمال زیان دهی و وقوع بحران مالی کاهش می‌یابد. نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری مطابقت دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بر وجود رابطه‌ای مستقیم میان محافظه‌کاری حسابداری و بحران مالی شرکتها تاکید دارد. این موضوع با تئوری حسابداری مطابقت دارد. به بیان دیگر در شرکت‌های دارای بحران مالی، محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند رفتار جانبدارانه مدیر را در بیش‌نمایی سود خنثی و به تأخیر اندازد. در نتیجه پرداخت‌های اضافی به مدیر و سایر گروه‌ها نظیر سهامداران، محدود و ارزش شرکت نیز در بلندمدت افزایش می‌یابد. بنابراین افزایش محافظه‌کاری موجب ارتقای ارزش شرکت‌های زیان‌ده در بلندمدت می‌شود. همچنین در پژوهش حاضر، بیشترین تأثیر بر احتمال بروز بحران مالی در

شرکت‌ها، شاخص سودآوری که همان شاخص عملکرد مدیریت می باشد، تعیین شده است. یعنی با بهبود عملکرد مدیر، سودآوری شرکت‌ها افزایش و از وقوع بحران مالی در آنها جلوگیری می شود. در نهایت نتایج پژوهش، بیانگر آن است که تامین مالی شرکت‌ها از طریق استقراض، می تواند موجب افزایش بحران مالی شود.

هم چنین نتایج تحقیق نشان می دهد اندازه شرکت‌ها رابطه ای منفی و معکوس با احتمال بحران مالی دارد. این موضوع به این مفهوم است که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک کمتر در معرض بحران مالی هستند. لذا پیشنهاد می گردد تا شرکت‌های کوچک و در معرض بحران مالی، برای آنکه دچار بحران مالی نشوند، خود را با شرکت‌های بزرگ ادغام نمایند و یا پروژه‌های مشترکی را با مشارکت شرکت‌های بزرگ به انجام رسانند. بر اساس نتایج این مقاله، نسبت اهرمی (نسبت بدهی) موجب افزایش بحران مالی می شود. لذا به دولت پیشنهاد می شود، برای خروج شرکت‌های دارای بحران مالی و حل مشکلات مالی آنها، به آن شرکت‌ها، وام‌های بلند مدت با بهره کم اعطاء نماید.

یادداشت‌ها

- 1- Givoly and Hyan
- 2 - Biddle and et. al
- 3- Vichitsarawong and Eng
- 4- Watts
- 5- Basu
- 1-Ryan
- 5 - Biddle and et. al
- 6- Vichitsarawong and Eng
- 4- Watts
- 5- Basu
- 1- Klein and Marquardt
- 8 - Balkrishna and et al.
- 9 - Ahmed and Duellman
- 10 - McConnell and Servaes
- 2- Zeitun and Tian
- 3- Huang and et al.

فهرست منابع

- ۱) ابراهیمی کردلر علی، علیرضا شهریاری (۱۳۸۸) "بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و محافظه کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران" بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۷، صص ۳-۱۶.
- ۱) بنی مهد، بهمن و تهمینه باغبانی (۱۳۸۸) "اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت ها" فصل نامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۸، صص ۷۰-۵۳.
- ۲) رضا زاده جواد و آزاد عبدالله، (۱۳۸۷)، "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی" فصل نامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴.
- ۳) رهنمای رودپشتی فریدون، راضیه علی خانی و مهدی مران جوری (۱۳۸۸) "بررسی کاربرد مدل های پیش بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵.
- ۴) مهرانی کاوه، جلال وافی ثانی و محمد حلاج (۱۳۸۹) "رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه کاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۹.
- ۵) کرمی غلام رضا و حامد عمرانی (۱۳۸۹) "تاثیر چرخه عمر شرکت و محافظه کاری بر ارزش شرکت" بررسیهای حسابداری و حسابرسی ۱ شماره ۵۹، صص ۷۹-۹۶.
- ۶) طالب نیا قدرت اله، آریتا جهان شاد و زهرا پور زمانی (۱۳۸۸) "ارزیابی کارایی متغیرهای مالی و متغیرهای اقتصادی در پیش بینی بحران مالی شرکت ها (مورد مطالعه شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران" بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، صص ۶۷-۸۴.
- 7) Ahmed ,A , S , Scott Duellman (2010) "Evidence on the Role of Accounting conservatism in Monitoring Managers' Investment" , Accounting and Finance ,No.3 , PP.23-38

- 8) Basu, S. (1997), The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings, Journal of Accounting & Economics , Vol. 24 Issue 1, PP 3-35
- 9) Balkrishna, Harishankar; Coulton, Jeffrey J.; Taylor, Stephen L.(2007) "Accounting losses and earnings conservatism: evidence from Australian Generally Accepted Accounting principles , Vol. 47 Issue 30
- 10) Biddle ,Gary C., Mary L. Ma and Frank M. Song,(2010) " Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk, Financial Accounting and Reporting Section, www.ssrn.com, PP.1-20
- 11) Huang J.J. , Yifeng S. and Qian , S (2011)" nonnegotiable Share, controlling Shareholders and Dividend Payments in China " Journal of corporate Finance , Vol 17, Issue 1, PP 122- 133
- 12) Klein April & Marquardt Carol (2006) , "Fundamentals of Accounting Losses " , The Accounting Review, Vol. 81, No. 1 .
- 13) McConnell, J. and Servaes, H. (1995), "Equity Ownership and the Faces of Debt", Journal of Financial Economics, vol. 27
- 14) Ryan, S. (2006) Identifying conditional conservatism. European Accounting Review, Vol. 15 Issue 4, p511-525
- 15) Vichitsarawong ,T,and L. Eng(2010), The Impact of the Asian Financial Crisis on Conservatism and Timeliness of Earnings:Evidence from Hong Kong, Malaysia,Singapore, and Thailand, Journal of International Financial Management and Accounting , Vol, 21. PP. 32 -61
- 16) Watts Ross & Zimmerman Jerold(1978) , Towards a Positive Theory of the Determinants of Accounting Standards, The Accounting Review, Vol LIII ,No 1
- 17) Watts, R. L. (2003) Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications, Accounting Horizons. Vol. 17 Issue 3, p207-221
- 18) Zeitun , R. and Tian G.G. (2007), " Does Ownership affect a firm's Performance and Default Risk in Jordan? Corporate Governance , Vol. 7 , No.1 , pp66-88